

نوربرت الیاس بنیان‌گذار جامعه‌شناسی فرایند

* اکبر مجدالدین

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

نوربرت الیاس با تأکید بر ضرورت توجه به نسبی بودن تأثیر عوامل مختلف در صورت‌بندی‌ها و فرایندهای اجتماعی و نیز توجه به صیوریت تاریخی آن‌ها، پایه‌های "جامعه‌شناسی آرایشی" یا به تعبیری دیگر از خود او، "جامعه‌شناسی فرایند" را مستحکم ساخته است. در واقع هنر اصلی الیاس ایجاد سنتز یا ترکیبی مناسب از آثار کنت، دورکیم و وبر است. او بر آن است که آدمیان را باید در تعامل و وابستگی متقابل به یکدیگر مورد شناسایی قرار داد. زندگی انسان‌ها وابسته به آرایش‌های مختلفی است که روابط آن‌ها با یکدیگر، آن را شکل می‌دهد. این آرایش‌ها مدام در حال تغییرند و در جریان این تغییر، با شیوه‌های متنوعی نظم پیدا می‌کنند. بنابراین، برای شناخت صحیح و دقیق رویدادهای اجتماعی باید فرایند و ماهیت آرایش‌های موجود را به خوبی درک کنیم او زندگی اجتماعی را به یک بازی تشبیه می‌کند که هر یک از حرکت‌های بازی‌کنان فقط با شناخت آرایش تیمی و حرکت‌های قبلی امکان‌پذیر خواهد بود. پس مفهوم آرایش ناظر بر شبکه‌های متداخل و به هم پیوسته‌ای است که کنش افراد را به یکدیگر می‌پیوندد و آنان را هم به انجام کارهایی قادر می‌سازد و هم از انجام کارهایی باز می‌دارد. حتی گروه‌های متخصص نیز با یکدیگر روابط و در نتیجه بر یکدیگر تأثیرات متقابلی دارند. محور این آرایش‌های متغیر، نوعی تعادل قدرت متحرک است که گاه به این سو و گاه به آن سو می‌رود. قدرت عامل توانایی بخش و در عین حال، محدود کننده‌ای است که بر روابط انسانی حاکم است. به نظر می‌رسد که آشنایی با مبانی، ساختار و ساز و کارهای جامعه‌شناسی آرایشی گذشته از جنبه نظری آن، می‌تواند ما را در شناخت ماهیت آرایش‌های اجتماعی موجود و تحولات گوناگون و پرشتاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز آینده، مدد دهد.

کلیدواژه‌ها: نوربرت الیاس، جامعه‌شناسی آرایشی، جامعه‌شناسی فرایند.

Norbert Elias and Process Sociology

Akbar Majdodin, Ph.D.

Assistant Professor, Department of Sociology, Shahid Beheshti University

Abstract

Norbert Elias offers a particular paradigm for sociological thought, one which opposes both the structural-functionalist and methodological-individualist tendencies in sociology in a quite different manner from the Marxist and Neo-Marxist critics, or structuralist and postmodernist theories. He developed a unique set of concepts for analyzing social life which he hoped can cut through many of the central dilemmas in sociology, especially the apparent oppositions between action and structure, individual and society. There are at least five interconnected principles underlying Elias's approach to sociology. Firstly, the outcome of the combination of human actions is most often unplanned and unintended. Secondly, human individuals can only be understood in their interdependencies with each other, as part of networks of social relations. Thirdly, human social life should be understood in terms of relations rather than states. Fourthly, human societies can only be understood as consisting of long term processes of development and changes, rather than timeless states or conditions. Fifthly, sociological thought moves constantly between a position of social and emotional involvement in the topics of study and one of detachment from them.

Keywords: Norbert Elias, Figural Sociology, Process Sociology.

مقدمه

نوربرت الیاس در بیست و دوم ژوئن ۱۸۹۷ در برسلوای آلمان (که اکنون با نام روکلاو در لهستان قرار دارد) متولد شد. پدرش هرمان، بازاریاب صنعت نساجی و مادرش سوفیا، خانه‌دار بود. نوربرت در جریان جنگ جهانی اول در ارتش پروس می‌جنگید و پس از پایان جنگ دورهٔ دکترای خود را در سال ۱۹۲۴ در دانشگاه برسلاو به پایان رساند.

یهودی بودن و فرار او از آلمان نازی در سال ۱۹۳۳ سبب شد که شغل خود را تا سال ۱۹۴۵ که پس از سال‌ها فرار به انگلستان و زندگی در آن کشور به‌عنوان پناهنده آن را مجدداً به‌دست آورد برای مدتی از دست بدهد. او در سال ۱۹۶۲ بازنشسته شد و در سال ۱۹۹۰ در سن نود و سه سالگی در آمستردام هلند درگذشت (Encyclopedia Britannica 2004).

از نوربرت الیاس در حدود بیست اثر در زمینه‌های کاری‌اش به جا مانده است. او جامعه‌شناسی بود که مطالعاتش بر روابط میان قدرت، رفتار، عاطفه و آگاهی متمرکز بود و جامعه‌شناسی آرایی (Figurational Sociology) یا فرایند (Process Sociology) را بنیاد نهاد.

کتاب مهم او که او را به‌عنوان یک چهره عمده در جامعه‌شناسی می‌نمایاند *فرایند متمدن شدن* (Civilizing Process) نام دارد که در سال ۱۹۳۹ به چاپ رسید ولی عملاً مورد توجه قرار نگرفت و در دههٔ شصت به زبان انگلیسی ترجمه شد. جلد اول کتاب به توسعه تاریخی خصیصه‌های اروپایی یا طبیعت ثانوی یعنی ساختارهای روانی ویژه شخصی می‌پرداخت که با ایستارهای اجتماعی قالب‌ریزی شده بودند. الیاس به این موضوع پرداخت که چگونه ملاک‌ها و معیارهای اروپایی پس از قرون وسطی که عملاً در خشونت، رفتارهای جنسی، کارکردهای مادی و شکل‌های خاص گفتمان و رفتارهای پشت میزنشینی کاربرد پیدا می‌کردند از طریق افزایش آستانهٔ احساس شرم و دل‌زدگی دگرگون شدند. درونی کردن، خویشنداری و خود کنترلی که از طریق شبکه‌های پیچیدهٔ ارتباطات اجتماعی فزاینده لازم‌القبول می‌شد، خود ادراکی روانشناختی را که فروید آن را به فرا خود (مظهر تجلی آرمان‌های اخلاقی انسانی در برابر نفس اماره) تعبیر کرد، توسعه داد.

جلد دوم کتاب به بررسی علل این فرایندها پرداخت و آن‌ها را در نخستین حکومت‌های تمرکزگرای مدرن و تمایز و ناهمسانی و در عین حال هم پیوندی فزاینده بافت جامعه یافت. این اثر الیاس در سال ۱۹۳۹ یعنی در همان سالی به چاپ رسید که ساختار منسجم و

مستحکمی که از آن سخن گفته و آن را شرح داده بود با فوران و اوج‌گیری بربریسم فرو ریخت.

هنگامی که این اثر الیاس در دهه شصت مورد توجه قرار گرفت و خوانندگان فراوانی یافت. ابتدا تحلیل او از این فرایند با یک سوء تعبیر و برداشت نادرست مصداقی از داروینیسیم اجتماعی بی‌اعتبار یعنی نظریه پیشرفت تکاملی تلقی شد و به‌عنوان تاریخ نقلی و نه یک برداشت فلسفی از فرایند اجتماعی عملاً مردود اعلام گردید. اما با گذشت زمان، جایگاه شایسته خود را به‌عنوان یک اثر بدیع علمی به‌دست آورد (Student Britannica Encyclopedia 2004).

مبانی و اصول جامعه‌شناسی آرایشی

تحولات اجتماعی مربوط به پشت سر گذاشتن قرن بیستم و ورود به قرن بیست و یکم نظریه‌پردازان ژرف‌اندیش را که به فراتر از یک دهه یا حتی یک قرن می‌اندیشند و به مفهوم تاریخی زندگی اجتماعی توجه دارند به این پرسش‌ها رهنمون می‌شود که معنی واقعی شخص متجدد و متمدن چیست؟ چگونه راه و روش‌هایی را شناسایی کنیم که در چهارچوب آن‌ها به یک فهم تاریخی برای حل مؤثر مسائل جاری بشر امروز نایل آیم آیا می‌توانیم جهان معاصر را در واقعیت وجودی آن و سرنوشت آینده آن توصیف کنیم؟ چگونه باید در آن واحد به استقلال فردی و وابستگی متقابل که ویژگی همه انواع زندگی اجتماعی است توجه کنیم؟ نوربرت الیاس در مدت زمان بیش از نیم قرن در فاصله ۱۹۳۰ و دهه ۱۹۸۰ به بررسی این گونه پرسش‌ها و یافتن پاسخ برای آن‌ها پرداخته است و دستاوردهای او می‌رود تا مبنای بررسی و نظریه‌های جامعه‌شناسانه قرار گیرد. تنها پس از گذشت دهه هشتاد بود که الیاس ابتدا در هلند و آلمان و سپس در فرانسه و ایالات متحده به‌عنوان یک جامعه‌شناس عمده مطرح گردید و نویسندگانی مثل اروینگ گافمن (Erving Goffman) و راینه بندیکس (Reinha Bendix) خوانندگان خود را به آثار او ارجاع دادند. با ترجمه آثار او به زبان‌های دیگر تعداد فزاینده‌ای از کتاب‌ها و مقاله‌ها با عناوین مختلف بهداشتی، قومی و ملی، جنایی، زن‌گرایانه و جهان‌گرایانه در بخش‌های متنوع به آثار او توجه محوری نشان دادند. لویس کوزر (Coser 1980: 194) از او به‌عنوان «یکی از شاخص‌ترین اندیشمندان اجتماعی زمان ما» یاد کرد. زیگمونت باومن (Bauman 1979: 123) او را «یک جامعه‌شناس واقعاً بزرگ»

نامید. آنتونی گیدنز نیز درباره ارزش آثار او نوشت «یک دستاورد فوق‌العاده که درونمایه‌های آن تنها در حد کلی آن هم در همین اواخر در نظریه‌های اجتماعی می‌رود تا مورد توجه قرار گیرد و طرح شود» (Giddens 1992: 385).

به این ترتیب آموزه‌ها، نوشته‌ها و ایده‌های الیاس به تدریج آثار خود را در حلقه گسترش یابنده جامعه‌شناسان و در حیطه فزاینده نشر و چاپ در کشورها و زبان‌های مختلف نشان می‌دهد و او رفته‌رفته جایگاه خود را در کتاب‌های مرجع و فرهنگ‌های جامعه‌شناسی می‌یابد. اما چرا چنین است؟ پاسخ موجز به این سؤال این است که الیاس به جای دنباله‌روی از اندیشه‌های گذرا به‌عنوان یک نظریه‌پرداز به مسائل و موضوعات اساسی می‌پردازد. او تحلیلی جذاب و بدیع از ریشه‌های تاریخی فرایند توسعه و شکل‌های کنش‌های متقابل اجتماعی و هویت اجتماعی جوامع جدید ارائه می‌دهد که دست کم پنج خصیصه می‌توان برای آن ذکر کرد:

نخست این که جامعه‌ها از انسان‌هایی ترکیب شده‌اند که درگیر یک کنش بین‌المللی هستند. برآیند ترکیب کنش‌های انسانی وابسته به آرایش‌های متفاوتی است که از روابط آن‌ها شکل می‌گیرد. این آرایش‌ها مدام در حال تغییرند و در فرایند این تغییر، با شیوه‌های متنوعی نظم پیدا می‌کنند. برخی از این نظم‌ها کمتر ماندگارند و برخی بیشتر. به هر حال، برآیندهای کنش انسانی، اغلب بدون برنامه و ناخواسته است و تحولات درازمدت، حاصل آرایش‌های برنامه‌ریزی نشده طولانی مدت است. بنابراین، وظیفه جامعه‌شناسان این است که به تحلیل و تشریح جنبه‌های فنی تغییر کنش بین‌المللی انسانی به نمونه‌های ناخواسته زندگی اجتماعی بپردازند که ضرورتاً در دوره‌های زمانی کوتاه یا درازمدت اتفاق می‌افتد (Jarvie and Maguire 1994: 130-131).

اصل مرتبط دوم این است که انسان‌ها تنها از طریق وابستگی‌های متقابل خود با دیگران به‌عنوان بخشی از شبکه‌های روابط اجتماعی یا به تعبیری که الیاس معمولاً به‌کار می‌برد «آرایش‌ها» قابل شناخت هستند. نه از طریق تلقی آن‌ها به‌عنوان موجوداتی که با یک هویت خود مختار با یک دیگر در کنش متقابل قرار می‌گیرند و یا با چیزی به نام «جامعه» ارتباط می‌یابند. الیاس می‌گوید ما ذاتاً اجتماعی هستیم و تنها از طریق روابط خود با دیگران موجودیت می‌یابیم و ساختار شاکله یا «طبیعت ثانوی» خود را گسترش می‌دهیم. یک اصل مکمل مهم در اینجا این است که مطالعه فرایند توسعه و تحول اجتماعی که الیاس آن را

"تکوین اجتماعی" می‌نامد ضرورتاً با تحلیل "تکوین روانی" یعنی فرایند توسعه روانشناختی و تحول و تغییر در ساختار شخصیتی یا شاکله‌ای که مبنا و همگام تغییرات اجتماعی است مرتبط است.

اصل سوم این است که زندگی اجتماعی انسان‌ها از طریق بررسی دوره‌های ارتباطی آن‌ها و نه دوره‌های حکومت‌ها فهم و درک می‌شود. مثلاً الیاس می‌گوید به‌جای تلقی قدرت به‌عنوان چیزی یا عاملی که اشخاص، گروه‌ها یا نهادها در مراتب بالا یا پایین در اختیار دارند باید به دوره‌ها و دایره‌های روابط مربوط به قدرت با تغییرات مداوم «تعادل‌ها» یا «نسبت‌ها»ی قدرت میان افراد و واحدهای اجتماعی بیندیشیم.

چهارمین اصل این است که جامعه‌های انسانی تنها باید از طریق تلقی آن‌ها به‌عنوان ترکیب‌هایی از فرایندهای درازمدت تغییر و توسعه درک و فهم شوند نه به‌عنوان شرایط یا حکومت‌های بدون زمان و نامحدود. او در این زمینه از «عقب‌نشینی جامعه‌شناسان به محدوده‌ی زمان حاضر» سخن می‌گوید. جامعه‌شناسی الیاس به‌رغم انکار او قبل از هر چیز یک جامعه‌شناسی تاریخی است. زیرا او معتقد است که جامعه‌شناسی باید از جنبه‌ی تاریخی مورد توجه قرار گیرد و چنین تعبیری البته متضمن امکان و مشروعیت یک جامعه‌شناسی غیرتاریخی نیز هست. تأکید او بیشتر به آن معنا بود که جامعه‌شناسان برای درک ساختارها و روابط اجتماعی موجود به‌طور منطقی نمی‌توانند خود را از جنبه‌ی تاریخی فرایندهای اجتماعی دور نگه دارند. به‌این ترتیب، او زمینه رشد اخیر جامعه‌شناسی تاریخی به وسیله‌ی نویسندگانی مانند فیلیپ أبرامز (Philip Abrams)، بارینگتون مور (Barington Moor) تا اسکوسپول (Theda Skocpol) و چارلز تیلی (Charles Tilly) را آماده کرد.

پنجمین اصل این است که اندیشه اجتماعی در زمینه‌های مورد مطالعه، پیوسته با جنبه‌های اجتماعی و احساسی درگیر و در واقع بخش یا زایده‌ای از آن‌ها است. در مقایسه با علوم طبیعی، این واقعیت که جامعه‌شناسان انسان‌های وابسته به یکدیگر را مورد مطالعه قرار می‌دهند به آن معنا است که خود نیز جزئی از موضوع مورد مطالعه‌اند و بنابراین، نمی‌توانند از درگیر شدن کم یا زیاد در پژوهش یا نظریه‌پردازی خود دوری گزینند. آگاهی‌های علمی - اجتماعی در جامعه‌ای که متعلق به آن و نه جدای از آنند رشد می‌یابند. البته در عین حال این درگیری اغلب مانع یک درک دقیق از زندگی اجتماعی و به ویژه نوعی از آن می‌شود که می‌تواند مسائل اجتماعی ناشی از ویژگی‌های روابط انسان‌ها با

یکدیگر را حل کند یا بر آن‌ها فایق آید. تعدادی از نتایج ناشی از کاربرد این اصول مانند اهمیت شکل‌گیری حکومت در تحلیل توسعه اجتماعی، مفهوم علم به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و تأکید بر ارتباط میان تغییرات اجتماعی و توسعه روانشناختی یا به تعبیر خود الیاس "تکوین اجتماعی" و "تکوین روانی" اغلب به‌عنوان رابطی میان دو سطح خرد و کلان تحلیل جامعه‌شناختی تلقی شده‌اند و مورد استناد قرار گرفته‌اند (Van Krieken 1998: Introduction).

البته باید توجه داشت که هیچ یک از این مفاهیم و نکات در انحصار الیاس نبوده‌اند و می‌توان آن‌ها را در آثار سایر جامعه‌شناسان نیز یافت. اما چیزی که رهیافت او را چنین مستحکم ساخته ترکیب یا سنتزی است از آن‌چه که به‌طور پراکنده در رهیافت‌های مختلف ساخت‌گرایی، کنش متقابل نمادین، تضاد، جامعه‌شناسی تاریخی و نظریه‌های مربوط به حکومت و شکل‌گیری آن وجود داشته پدید آورده است. مفاهیمی که از آن‌ها نام بردیم، مفاهیمی هستند که الیاس به‌کار گرفته است تا بر تقسیم‌بندی‌های متداول و به‌نظر او نابسنده‌ای که در جامعه‌شناسی وجود دارند فایق آید (در بحث مطالعات موردی مبتنی بر نظریات الیاس به این تقسیم‌بندی‌ها اشاره خواهیم کرد). وی در کتاب *جامعه‌شناسی چیست؟* (Elias 1976) می‌گوید با کمک مفاهیم حساس می‌توان خصوصیت مبتنی بر فرایند روابط و وابستگی متقابل مردم با یکدیگر را کشف کرد. همچنین آن‌ها نشان می‌دهند که چگونه شبکه روابط انسانی با توجه به توزیع قدرت تغییر می‌کند (Jarvie and Maguire 1994: 131). بر مبنای همین شبکه روابط است که مردم یکدیگر را متحد یا دشمن خود می‌پندارند. نکته مهم دیگر آن‌که همه این اصول و خطوط بحث و استدلال در آثار الیاس را باید در ارتباط با یکدیگر و در یک مجموعه در نظر گرفت که فهم و درک هر یک از آن‌ها بدون توجه به بافت ارتباطی که آن را با اصول و نکات دیگر متصل می‌سازد بسیار دشوار است.

الیاس زندگی اجتماعی را به‌نوعی بازی تشبیه کرده است. الگوهای بازی از نظر الیاس نشان‌دهنده وارد شدن مردم در شبکه روابط است که آنان را به یکدیگر می‌پیوندد (Jarvie and Maguire 1994: 92) روابطی که مردم با یکدیگر برقرار می‌کنند صرفاً وابسته به اعمال آگاهانه آن‌ها نیست بلکه وابستگی‌های متقابل غیرعمدی بنیاد هر نوع کنش متقابل عمومی است. وی برای توضیح این امر به بازی کاسپاروف و شرت، شطرنج‌بازان معروف

جهان اشاره کرده و معتقد است اگر مثلاً حرکت دوازدهم آن‌ها در این بازی را مورد توجه قرار دهیم، بدون توجه به حرکات قبلی و بازی‌های سابق آن‌ها و سنتی که در آن پرورده شده‌اند، نمی‌توانیم این حرکت خاص را تجزیه و تحلیل کنیم. الیاس می‌نویسد: «فقط در جریان حرکت‌های درهم بافته شده قبلی در جریان بازی و نتایج آن - آرایش بازی قبل از حرکت دوازدهم - است که می‌توان حرکت دوازدهم را تبیین کرد» (Jarvie and Maguire 1994: 132).

جان گودز بلوم (Johan Gouds-blom) جامعه‌شناسی آرایشی را چنین تعریف کرده است: «در تحول جوامع انسانی، وضعیت اجتماعی ناشی از کنش‌های انسانی امروز، نتایج اجتماعی غیرعمدی دیروز هستند» (Jarvie and Maguire 1994: 131).

جامعه‌شناسی آرایشی، شبکه‌های روابط متغیر انسانی در طول تاریخ را بر پایه همین مفاهیم بررسی می‌کند. از این حیث می‌توان گفت که نقطه شروعی برای جامعه قابل تصور نیست زیرا مردم مدام درگیر روابط تغییر یابنده با یکدیگر هستند. مفهوم آرایش (Figure) ناظر بر شبکه‌های به هم پیوسته و متداخل است که کنش افراد را به یکدیگر متصل کرده، هم آن‌ها را به انجام کارهایی قادر می‌کند و هم از انجام کارهایی باز می‌دارد. به همین سبب است که الیاس معتقد است مفهوم فرد و جامعه را نباید مطلق انگاشت. آرایش‌ها نیز همانند تیپ‌های آرمانی وبر نوعی ساختار نظری نیستند که محقق آن‌ها را جعل کند و با محک آن‌ها واقعیت‌هایی را توضیح دهد، بلکه آرایش‌ها مانند مردمی که آن‌ها را تشکیل می‌دهند واقعی هستند. الیاس در تشریح مقوله آرایش که مشخصه بارز آن را تعادل‌های پرتنش می‌داند آن را به بازی تشبیه می‌کند و بازی انتخابی او فوتبال است. وی می‌نویسد: «اگر به‌عنوان مثال فوتبال را در نظر بگیریم، می‌توانیم ببینیم که آرایش، نوعی ساخت - بازی است که دارای روابط «منی»، «اویی»، «مایی» و «آن‌هایی» است. به این گونه کاملاً مشخص می‌شود که دو گروه متخاصم که دارای روابط «مایی» و «آن‌هایی» با یکدیگر هستند آرایش واحدی را تشکیل می‌دهند. ما فقط زمانی می‌توانیم گروه‌بندی کاملاً متغیر بازی‌کنان در یک طرف را بفهمیم که گروه‌بندی بازی‌کنان در طرف مقابل را که آن نیز در حال تغییر مداوم است بفهمیم. هسته و کنه آرایش‌های تغییر یابنده، نوعی تعادل متحرک و تعادل قدرت پس و پیش رونده است که گاه به این سو و گاه به آن سو متمایل می‌شود. این تعادل تغییر یابنده قدرت، مشخصه ساختاری فرایند هر نوع آرایش است (Jarvie and Maguire 1994: 134). به همین

سبب از نظر الیاس، قدرت همان عامل توانایی بخش و در عین حال محدودکننده‌ای است که بر روابط انسانی حاکم است.

یکی از مباحث مهم مورد نظر الیاس، اهمیت نسبی ابعاد مختلف وجود انسانی است. به ویژه تقابل میان خود بنیادی و خرد از یک سو و احساس از سوی دیگر. این که آیا اخلاق‌گرایی مبتنی بر اصول جهان شمول مانند خرد یا اخلاقیات غایی است یا این که ریشه در تجارب مشخص جوامع مختلف انسانی دارد؟ به موازات این چالش‌ها با نهادینه شدن تدریجی فرایند تجددگرایی، کشاکش دامنه‌داری میان کنترل و خود بنیادی و انضباط و آزادی پدید آمد. این امر دو علت داشت: یکی این که هر گونه نهادینه‌سازی محدودیت‌هایی را پدید می‌آورد و دیگر این که با اعمال کنترل اجتماعی، اخلاقیات انسانی به‌طور نسبی محدود می‌شود. نوربرت الیاس نشان داده است که نظارت با تجددگرایی پا به صحنه گذاشته است و از جمله مهم‌ترین تجلیات این کنترل، گرایش به همگون‌سازی دولت‌های مدرن و به ویژه دولت‌های پسا انقلابی در قالب جامعه بورژوازی است. همچنین تضاد میان خلاقیت و نگرش‌های رنسانس، جنبش اصلاح روشنگری و انقلاب‌ها و نیز تضاد میان نگرش بی‌در و پیکری که به جهان مدرن معنی می‌بخشد از یک طرف و قطعه‌قطعه شدن این معنا از رهگذر استقلال فزاینده ساخت‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ از طرف دیگر و بالاخره تضاد میان تعریف واحدهای سیاسی مستقل و قبل از همه دولت‌های ملی و نیروهای رشدیابنده بین‌المللی خارج از کنترل این واحدهای ظاهراً خود بنیاد. همین کشاکش میان کنترل و آزادی است که موجب تحول اجتماعی و فرهنگی مستمر در این جوامع شده است.

اینک به منظور روشن شدن زوایا و جنبه‌های مختلف نگرش جامعه‌شناختی الیاس، فشرده چند مطالعه و پژوهش موردی را که در قلمروها و زمینه‌های مختلف اجتماعی بر اساس مبانی جامعه‌شناسی آرایشی صورت گرفته و در جلسات مختلف کنفرانس انجمن جامعه‌شناسی بریتانیا در سال ۱۹۹۵ ارائه شده است نقل می‌کنیم:

هنرهای نمایشی

جامعه‌شناسی آرایشی، رهیافت‌های رسمی و متداول در مطالعات موسیقی، حرکات موزون و به‌طور کلی هنرهای نمایشی را به‌طور جدی به چالش می‌کشد و به‌جای مفاهیمی مانند الهام،

نوع، استاد بزرگ و نیز تضادهای دوقطبی و تحلیل‌های ایستا از شیوه‌ها و ساختارها در چهارچوب‌های تاریخی محدود (مثلاً قرون وسطی یا رنسانس) یا منطقه‌ای (مثلاً شرق یا غرب)، بررسی فرایندهای رفتار انسانی مانند حمایت و سرپرستی، انتقال اطلاعات و آگاهی‌ها و رفتار و اقدامات تولیدکنندگان و مشتریان هنر در درون دایره‌های متداخل و متقاطع تعهدات اجتماعی را پیشنهاد و ترویج می‌کند.

به لحاظ مسیر کاملاً طبیعی فرایند تمدن، ارزش‌های والا با شکل‌های خاصی از هنر همراه است و شکل‌های دیگر ناپایدار یا حاشیه‌ای خواهند بود. قضاوت‌های ارزشی، معیارها و ضوابط زیبایی‌شناختی ذهنی و انتزاع‌های فلسفی، برآند تا زمینه پژوهش را به سوی تعیین آنچه باید یا نباید بررسی و هدایت و کنترل شود، جهت دهند. از این‌رو، شیوه بررسی هنری، با مسأله درگیری‌ها و دخالت‌های احساسی و زیبایی‌شناختی عمدتاً ناآگاهانه ما، مرتبط می‌شود (Buckley 1995).

آلمان ستیزی و نظریه تجددگرایی دموکراتیک

جامعه آلمان معمولاً غیردموکراتیک و نظامی‌گرا تلقی می‌شود زیرا نتوانسته است انقلاب تجددگرایی خود را به پیش ببرد. گرایش و تمایل آلمانی‌ها به انگیزه‌های ضدتمدنی نهفته در نازیسم برای جامعه‌های پیشرفته غربی یک امر متناقض‌نما به‌شمار می‌رفت. این نظریه با توجه به آنچه که در انگلستان، آمریکا و در مراتب پایین‌تر در فرانسه روی داده در واقع ابعاد چهارگانه تجددگرایی را به یک انتقال ساده فرو می‌کاهد و تقلیل می‌دهد. در مورد دو بعد دیوان‌سالاری و سکولاریزم دینی (به ویژه در آموزش)، آلمان فرایند تجددگرایی را از قرن نوزدهم هدایت کرد. در مورد سوم یعنی صنعت‌گرایی سرمایه‌داری، تفاوت‌های عمده نسبتاً کم بودند. در ارتباط با بعد چهارم یعنی گرایش به مردم‌سالاری، بر اساس بررسی‌های ما از گسترش قدرت پارلمانی، آلمان آن‌گونه که این نظریه مدعی است از دیگران چیزی کم نداشت.

انگلستان و فرانسه نیز در بسیاری از جنبه‌ها تا اوایل قرن بیستم غیردموکراتیک و سلطه‌جو بودند. تصویر آلمان به عنوان یک جامعه ضدتجدد، منشأ ژئوپولیتیکی داشت. گسست اتحادیه‌ها و پیمان‌ها به جنگ جهانی اول منجر شد و شکست در جنگ، زمینه به قدرت رسیدن فاشیسم را پدید آورد. از نظر تحلیلی، ریشه‌های نهضت‌های نظامی‌گرای ناشی

از خشونت‌های افراطی قومی، در همهٔ جامعه‌ها وجود دارند. اما این که چنین جنبش‌هایی پیروز و مسلط شوند، بستگی به شرایط مربوط به فرایند تجددگرایی دارد. با توجه به شرایط آیندهٔ بحران‌های ژئوپولیتیکی و کشمکش‌های قومی، برپایی جنبش‌های فاشیست گونه در هر جامعه‌ای در جهان امکان‌پذیر است (Collins 1995).

یادمان‌های اینجا - قبل

الیاس و اسکاتسن (Scotson) در کار مشترک خود به این نکته اشاره کرده‌اند که ویژگی‌های مشخص انسانی و شرایط فکری اجتماعی که خاستگاه آن‌ها است از استعداد انتقال از نسل به نسل دیگر از طریق فرایند توارث اجتماعی برخوردارند. ساز و کار توارث اجتماعی به طور کلی در مباحث مربوط به فرایند جامعه‌پذیری، یادگیری و هویت‌یابی تشریح شده است. یکی از ساز و کارهای مهم روانشناسی در بحث میراث اجتماعی که هنوز هم به خوبی توضیح داده نشده، تخیل است. مردم دربارهٔ گذشته، هم می‌اندیشند و هم خیال‌پردازی می‌کنند و به این‌گونه یک میراث اجتماعی مشخص را می‌آفرینند. برای بررسی نقش خیال در فرایند میراث اجتماعی، من با ده نفر از مشتریان نوتن‌یابی درمانی (ex-reincarnation therapy) مصاحبه کردم. در جریان این مصاحبه‌ها چند نفر از مصاحبه‌شوندگان پرسیدند که آیا من نیز به زندگی‌های گذشته (تناسخ) اعتقاد دارم؟ پاسخ من این بود که من به آن‌ها اعتقاد ندارم اما مایلم که با تجربهٔ کسانی که آن‌ها را باور دارند، آشنا شوم. گزارش مصاحبه شوندگان از زندگی گذشته، فرصت یگانگی را برای بررسی جهان خیالی فرهنگی - تاریخی در یک قالب تجربی فراهم می‌آورد. تأثیر فرضی این زندگی‌ها بر زندگی کنونی، مشخص می‌کند که چگونه تخیل در فرایند توارث اجتماعی تأثیر می‌گذارد. مضامین تجربه‌های گزارش شدهٔ مربوط به زندگی گذشته، به شدت خشن است. این مضامین از واقعیت روانی افراد و واقعیت تاریخی - فرهنگی کنونی مایه می‌گیرد. تجربه‌های مربوط به زندگی گذشته که در جریان نوتن‌یابی درمانی ترسیم می‌شود پردازش و کژدیسی نیازها و آرزوها و نگرانی‌های مشتری‌ها یا رویدادهای زندگی واقعی است. عناصر همساز و مشابه، آگاهی فرهنگی - تاریخی موجود، مانند دانش شفاهی و سینه به سینه و آتش‌زدن ساحره‌ها و قربانی‌ها در این پردازش و کژدیسی مورد استفاده بوده است. تخیل تاریخی در نوتن‌یابی درمانی، تمایل درونی لازم برای آشکار کردن واقعیت روانی را پدید می‌آورد. امکان

بازسازی خاطره زندگی‌های گذشته در زمان حاضر و مسائل آشفته‌کننده و تجربه‌های رعب‌آور، این زندگی‌ها را قابل فهم و قابل تحمل می‌سازد. امکان زندگی با میراث اجتماعی که از نظر نقش‌آفرینی برای بیشتر مردم غیرقابل باور است، از نظر مصاحبه‌شوندگان یک واقعیت مسلم به‌شمار می‌رفت (Gompertz 1995).

انسان و حقیقت درونی

این پژوهش، زبان تئوریک پیشنهاد شده به وسیله نوربرت الیاس و میشل فوکو (Michael Foucault) را بررسی می‌کند که برای تئوریزه کردن سرشت و وضعیت تاریخی ذهنیت به خصوص با برداشت جدیدی که از «خود» به‌عنوان محتوی یک حقیقت پنهان ارائه شده است. در این بررسی گفته شده است که از طریق شناختی که فوکو از فناوری‌های خود یافته بر اساس بازی‌های واقعیت به‌دست داده است می‌توان بدون توسل به اصول موضوعه فروید در مورد تضاد میان محرک‌ها و کنترل محرک‌ها، به شکل‌بندی جدید ذهنیت (یا به تعبیر الیاس دستور زبان انسان) دست یافت (Greco 1995).

چالش‌های بلفاست از ۱۷۳۷ تا ۱۸۵۱ و تأثیر آن‌ها بر جنگ خروس‌ها

در سال ۱۷۳۷ جنگ خروس‌ها در بلفاست و مناطق اطراف آن کاملاً رایج بود. در سال ۱۸۵۱ این رسم از میان رفت. در این گزارش، تلاش می‌شود تا این رویداد با توجه به تغییراتی که در بلفاست روی داد و آن را از یک شهرک با بازاری کوچک به یک شهر صنعتی تبدیل کرد، مورد بررسی قرار گیرد. در اینجا سه دوره قابل تشخیص است: نخستین دوره (۱۷۳۷ تا ۱۷۹۱) شاهد تغییرات اجتماعی و عاطفی مردم منطقه و حرکت آن‌ها از یک محیط‌زیست روستایی به یک محیط‌زیست شهری است. دومین دوره (۱۷۹۱ تا ۱۸۲۱) آغاز بافت کتان، نخ، ساختن کشتی با تغییرات گسترده سیاسی، آموزشی و اجتماعی، همراه است. سومین دوره (۱۸۲۱ تا ۱۹۵۱) تغییرات وسیعی در ساختار سیاسی بلفاست و از جمله نظام حقوقی و اقتدار قانون به همراه دارد. در این دوره بندر بلفاست، راه‌آهن، کانال‌کشی و فرایندهای مهندسی، توسعه زیاد می‌یابد. این دوره‌ها با توجه به تغییرات بدنه و چهارچوب تفریحات و سرگرمی‌ها و به ویژه جنگ خروس‌ها مشخص می‌شود. این بررسی با استفاده برداشت الیاس از فرایند تمدن نشان می‌دهد که چگونه «ورزش‌های خونین» و از جمله

جنگ خروس‌ها از یک امر پذیرفته شده اجتماعی به صورت یک امر حاشیه‌ای و مطرود تغییر وضعیت و موقعیت دادند (Ingram 1995).

نگرشی توسعه‌ای به رشد اخیر نظریه‌های جامعه‌شناختی

در این بررسی یک مدل سه مرحله‌ای از رشد نظریه‌های اجتماعی از ۱۹۴۵ به بعد ارائه می‌شود:

- ۱- مرحله انحصارگرایانه دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ که کارکردگرایی آمریکایی مسلط است.
- ۲- مرحله خشونت از اواخر دهه ۶۰ و دهه ۷۰ که در طی آن جوامع الگوی رقیب، برای پیروزی در نبرد مکاتب و حوزه‌ها با یکدیگر جنگیدند.
- ۳- مرحله تمرکز که مرحله کنونی است و در آن همه مکاتب اعم از کثرت‌گرایی یا مکاتب ترکیبی، رهیافت اصلی خود را یافته‌اند و بر امور مهم سطح بالا مانند محافظه‌کاری، ساخت‌گرایی و واقع‌گرایی متمرکز شده‌اند. هر مرحله نه فقط از نظر ترتیب زمانی، بلکه از این نظر نیز که مشخصه ویژه خود را دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد (Kilminster 1995).

از سلطنت هابسبورگ تا اتریش

اضمحلال امپراطوری اتریش - مجارستان در سال ۱۹۱۸ موجب پیدایش مسائلی برای نظام‌های حکومتی اروپا شد که تاکنون نیز ادامه دارد. بیشتر دولت - ملت‌های جدید التأسیس (که گاه خود اقلیت‌های قومی بزرگی را در برداشتند)، بعدها قربانی رقابت و کشمکش سلطه‌جویانه همسایگان نیرومندتر خود شدند. از نظر الیاس، یکی دیگر از پیامدهای این فروپاشی، تغییر جهت احساس وفاداری بود از آن‌چه که "احساس ما" گفته می‌شود، به سوی هویت ناشی از دولت - ملت به‌عنوان یک عامل بقای جدید. این‌که این رویداد برای اتریش جدید چه معنایی دارد، کمتر مورد شرح و تفسیر بدون پیش‌داوری قرار گرفته است. به صورت خاص، هنگامی که "هویت ما" از الگوی فوق ملی امپراطوری هابسبورگ به سلطنت قومی کوچک‌تری تغییر شکل داد، بعد عاطفی آن نادیده گرفته شد. شاید هیچ مؤلفی به خوبی و تناسب ژوزف روت (Joseph Roth) بر اساس توجه به جوهره احساس خسران و سوگواری ناشی از اضمحلال سلطنت، این موضوع را بررسی نکرده باشد.

او نه تنها به شرح دقیق تشریفات و ساختارهای دیوان‌سالاری و شرایط نظامی امپراطوری پرداخت، بلکه غم و اندوه خود را نیز که بسیاری از افراد دیگر با او در آن شریک بودند به روشنی آشکار نمود.

این اثر می‌کوشد تا بر اساس بعضی از کتاب‌های داستان، جوانب مختلف بحث را به یکدیگر پیوند دهد. مثلاً کتاب «افسانه هابسبورگ» با واقعیت‌های ساختار اجتماعی اواخر دوران سلطنت تطبیق داده شده و واقع‌گرایی روت با تطبیق آن با اصول جامعه‌شناسی معرفت که لایه‌های مختلف صداقت او را مشخص می‌سازد، محک‌زده شده است. این اثر با بررسی میهن‌پرستی و اندیشه و ذهنیت ملی در اتریش معاصر پایان می‌یابد (Kuzmics 1995).

ورزش و جهانی شدن

این رساله، بر اساس نظرات ابتکاری و پیشگامانه الیاس، بر آن است که پیدایش و رواج ورزشی شدن با فرایند جهانی شدن مرتبط است. ترسیم جوانب مفهوم کم شدن تمایزها و تنوع‌های فزاینده و پیدا شدن الگوی پارلمانی فرایندهای ورزشی شدن، در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است. در این ارتباط پنج مرحله شناسایی و مشخص شده است: تمرکز و جنبش استقلال‌گرایانه مردم، فناوری، سرمایه، تصورات و ایدئولوژی‌ها و روابط درون تمدنی. زمینه‌های کلیدی متعددی نیز مورد بحث قرار گرفته‌اند که دلالت عام‌تری دارند.

این زمینه‌ها عبارتند از: تمایزها و تنوع‌های در حال کاهش، آمیختن فرهنگ‌های غربی و غیرغربی با یکدیگر، ظهور و بروز ترکیب‌ها و ملغمه‌های جدید و تلاش‌های جاری گروه‌های مستقر داخلی در جهت جذب خارجی‌ان به‌عنوان کارگر یا مشتری. این چهارچوب به این بررسی اجازه می‌دهد که با اجتناب از علت‌گرایی‌های پیچیده و تحلیل‌های دو وجهی، به توضیح و درک مفیدتر مفاهیم ورزشی شدن، جهانی شدن و شاکله و هویت ملی نایل آید (Maguire 1995).

علم و ایدئولوژی در جامعه‌شناسی نوربرت الیاس

اغلب گفته شده است که جامعه‌شناسی نوربرت الیاس، بر سنت روشنگری با تأکید بر ایده‌های مربوط به طبیعت، ظرفیت و توانایی علم و نقش جامعه‌شناسی علمی استوار شده

است. در این روزگار نسبی‌گرایی و شکاکیت پست مدرنیسم جدید، آثار الیاس نابهنگام و غیرتاریخی به نظر می‌رسد. خود الیاس با تشخیص نیست انگاری متداول می‌گوید: از این نظر من فسیلی از دوره‌های گذشته‌ام. او تأکید می‌کرد که جامعه‌شناسی فرایند، در مقایسه با جامعه‌شناسی‌های دیگر آگاهی‌ها و اطلاعات واقع‌بینانه‌تری دربارهٔ جامعه و فرایندهای اجتماعی ارائه می‌کند.

الیاس در مباحث علمی به‌طور کلی و جامعه‌شناسی علمی به‌طور ویژه، همواره میان شکل‌های علمی معرفت و آگاهی از یک طرف و ایدئولوژی از طرف دیگر تمایز قائل شده است. او ایدئولوژی را در رده تفکرات افسانه‌ای جای می‌دهد که بیانگر و سخنگوی تفکرات آرزومندانه، مسائل مربوط به موجودیت و نیز منافع گروه‌های اجتماعی از دیدگاه پست مدرن‌گرایی است. استفاده الیاس از چنین اصطلاحاتی ایجاب می‌کند که کارهای او نیز همراه با بسیاری از چهارچوب‌های تفکرات و فلسفه‌ها و روایات افسانه‌ای از علم که لازمهٔ چنین زبان‌ها و مفاهیمی است کنار گذاشته شود.

به هر حال مفهوم‌سازی الیاس از علم و ایدئولوژی، از لحاظ جنبه‌های مهم و حیاتی، با مفهوم‌سازی‌های پیشین که اصطلاحات برای تثبیت شکل‌های انحصاری دو طیفی باور و آگاهی به‌کار می‌رفت و خود موجب آشفتگی فکری بیشتری می‌شد به کلی متفاوت است (Wassall 1995).

اوقات فراغت از دیدگاه الیاس

برای پرداختن به جامعه‌شناسی اوقات فراغت از دیدگاه الیاس، بهتر است نخست به فرایند «متمدن شدن» که از مقولات بنیادی مورد بحث الیاس و نام مهم‌ترین کتاب او نیز هست، بپردازیم.

الیاس در بررسی فرایند «متمدن شدن» به تحول ساخت شخصیتی افراد و همچنین ملاک‌های اجتماعی که از قرون وسطا به بعد در جوامع غربی ایجاد شده‌اند توجه داشت. «تغییرات در آداب به‌معنای آداب معاشرت و آداب گفتار و کردار، نشان می‌دهد که متمدن‌تر شدن جامعه، کنترل بیشتری نیز بر تجلی احساسات و عواطف اعمال شده است. هر چه جامعه به عصر جدید نزدیک‌تر شده انسان غربی، بیشتر غرایز خود را انکار کرده و عواطف خود را پنهان ساخته است. تشکیل دولت فعلی غربی ناشی از همین جریان است» (Elias 1939: 87).

از حیث تاریخ، الیاس معتقد است که این نوع کنترل‌ها در دربارها و به‌خصوص در دربار دودمان‌های استبدادی ایجاد شده و از آن‌جا به جوامع تازه تأسیس شده صنعتی تسری یافته است. الیاس اظهار می‌دارد که در دوران قرون وسطی، مردم مستقیماً در جنگ شرکت می‌کردند و خوی تجاوزکارانه و خشن خود را پنهان نمی‌ساختند؛ اما در حال حاضر مردم این تمایلات را در خود پنهان می‌کنند. ورزش و اوقات فراغت از نظر الیاس جایگزینی برای همان خوی‌های سرکوب شده و آداب دانی‌ای است که بر مردم تحمیل شده است. مردم اکنون خود از ریختن خون ابا دارند و آن را نشانه توحش می‌دانند اما با لذت به تماشای فیلمی می‌نشینند که در آن قهرمان فیلم ده‌ها نفر را سلاخی می‌کند و یا مردم اکنون گلاویز شدن با یکدیگر را بی‌نزاکتی می‌دانند اما با طیب خاطر با صرف مبالغی به تماشای مستقیم مسابقه بوکس می‌روند یا آن را به‌طور غیرمستقیم از طریق تلویزیون نگاه می‌کنند. به همین سبب از نظر الیاس «ورزشی شدن» (sportization) و «فراغتی شدن» (Leisureization) حاصل آرایش جدید نیروها در عصر حاضر است. وی در تحلیل فرایند ورزشی شدن جامعه جدید انگلستان می‌گوید که به‌وجود آمدن ورزش‌های جنبی از قبیل مشت‌زنی، شکار روباه، راگبی، کریکت و فوتبال مصادف است با تشکیل پارلمان در انگلستان و فرو نشستن مبارزه خصمانه اقوام «بیگ» و «توری».

الیاس و دانینگ (Dunning) برآنند که نشان دهند چگونه جریان ورزشی شدن در آن زمان منجر به کیفیت فعلی ورزش و اوقات فراغت شد. از نظر آن‌ها، ورزش نوعی تقلید از جنگ است که در آن، آدمیان در انتظار پیروزی هستند. به همین سبب، آن‌ها فی‌نفسه به ستایش از ورزش و اوقات فراغت نمی‌پردازند زیرا اولاً از نظر الیاس و دانینگ، ورزش به‌معنای رسیدن به‌نوعی آزادی یا لحظات آزاد نیست بلکه تابع تعادل توانایی‌ها و تضییقاتی است که در جامعه وجود دارد. ثانیاً این تصور که گویا ورزش نوعی خود انگیختگی است، بیهوده است زیرا معنای آن، نوعی تضییق است که بر فرد اعمال می‌شود. ثالثاً، ورزش جدید به‌طور فزاینده‌ای به نوعی تقلید، مبدل شده است (عمدتاً تقلید از جنگ). به طور مثال، فوتبال تقلیدی است از جنگ دو لشکر و یا شطرنج ممکن است نبرد میان دو شوالیه را تداعی کند و همچنین مشت‌زنی. از طرف دیگر، الیاس و دانینگ اوقات فراغت را نیز "انگیخته شدن شکل‌های لذت‌بخش هیجان" تعریف می‌کنند (Elias and Dunning 1986: 143). اکنون که زندگی انسان به‌دست نیروهای عقلانی نهاده شده و افراد باید بر اساس قوانین دقیق کار

کنند، گمان می‌رود که اوقات فراغت دقیقاً همان ایامی است که فرد می‌تواند نوعی هیجان "خود انگیخته به او غیرتأملی" را به ظهور برساند و به همین سبب، اوقات فراغت، تابع قاعده معمولی شدن (Routinization) و غیرمعمولی شدن (Deroutinization) است و به همین سبب است که بشر در عصر جدید، به‌طور مداوم، در پی ایجاد تنوع در اوقات فراغت است زیرا از یک نوع اوقات فراغت خسته می‌شود و نیاز به تفنن دارد، و این توانایی است که بشر باید در مورد جامعه‌ای بپردازد که در برخی از ابعاد بسیار جدی است.

الیاس و دانینگ، این جریان را در حال جهانی شدن می‌دانند. به‌وجود آمدن اتحادیه‌های جهانی ورزش در زمینه‌های متفاوت، تورهای مختلف و مانند آن‌ها، نشانه‌ای از این جهانی شدن است. برداشت و تحلیل الیاس از اوقات فراغت به ما یادآوری می‌کند که روند فعلی اوقات فراغت را با نظری انتقادآمیز بنگریم. به عبارت دیگر، آن‌ها مبین نوعی تنش سرکوب شده‌اند که به این شکل بروز پیدا می‌کنند و جلوه‌های آن را می‌توان به روشنی دید. مانند تخریب مراکز ورزشی یا وسایل نقلیه عمومی به وسیله طرفداران تیم‌های رقیب، گلاویز شدن آن‌ها با یکدیگر و مانند آن‌ها که نشان دهنده همین تمایلات فرو خورده است.

منابع

- Bauman, Zygmunt. 1979. "The phenomenon of Norbert Elias." *Sociology* 13(1): 117-125.
- Buckley, Ann. 1995. "Music, Dance and Civilizing Process." In *Abstracts of Papers for Human Processes and Figurations, Sessions at the 1995 Conference of the British Sociological Association*. 10-11 April.
- Collins, Randall. 1995. "German-Bashing and the Theory of Democratic Modernization." In *Abstracts of Papers for Human Processes and Figurations, Sessions at the 1995 Conference of the British Sociological Association*. 10-11 April.
- Coser, Lewis. 1980. "Review of *What is Sociology? and Human Figurations*." *American Journal of Sociology* vol. 86.
- Elias, Norbert, Eric Dunning. 1986. *Quest for Excitement: Sport and Leisure in the Civilizing Process*. Oxford: Blackwell.
- Elias, Norbert. 1976. *What is Sociology?*. London: Huchinson.

- Elias, Norbert. 1939. *The Civilizing Process*. Oxford: Blackwell.
- Encyclopedia Britannica. 2004. vol.3, "Elias Norbert." Chicago: Encyclopedia Britannica.
- Gompertz, Wouter. 1995. "Memories of the 'Here-Before': Ex-Reincarnation Therapy Clients' Invention of the Past." In *Abstracts of Papers for Human Processes and Figurations, Sessions at the 1995 Conference of the British Sociological Association*. 10-11 April.
- Greco, Monica. 1995. Homo Clausus and the Question of 'Inner Truth': Elias and Foucault on the Historical Constitution of Western Subjectivity." In *Abstracts of Papers for Human Processes and Figurations, Sessions at the 1995 Conference of the British Sociological Association*. 10-11 April.
- Giddens, Anthony. 1992. "Review of the Society of Individuals." *American Journal of Sociology* vol. 98.
- Ingram, Billy. 1995. "Social Changes in Belfast from 1737-1851 and Their Effect on Cockfighting." In *Abstracts of Papers for Human Processes and Figurations, Sessions at the 1995 Conference of the British Sociological Association*. 10-11 April.
- Jarvie, Grant and Joseph Maguire. 1994. *Sport and Leisure in Social Thought*. Routledge: London.
- Kilminster, Richard. 1995. "The Sociology Spiral: A Developmental View of Recent Developmental View of Recent Developments in Sociological Theory." In *Abstracts of Papers for Human Processes and Figurations, Sessions at the 1995 Conference of the British Sociological Association*. 10-11 April.
- Kuzmics, Helmut. 1995. "From the Habsburg Monarchy to 'Austria' Empire Patriotism, 'Habsburg Myth' and Nationalism in the Novels of Joseph Roth." In *Abstracts of Papers for Human Processes and Figurations, Sessions at the 1995 Conference of the British Sociological Association*. 10-11 April.
- Maguire Joseph 1995. "Sport and Globalization: A Process-Sociological Perspective." In *Abstracts of Papers for Human Processes and Figurations, Sessions at the 1995 Conference of the British Sociological Association*. 10-11 April.
- Student Britannica Encyclopedia. 2004. "Elias Norbert." Chicago: Encyclopedia Britannica.
- Van Krieken, Robert. 1998. *Norbert Elias, Key Sociologist*. Sydney: University of Sydney.

Wassall, Terry. 1995. Science and Ideology in the Sociology of Norbert Elias. In *Abstracts of Papers for Human Processes and Figurations, Sessions at the 1995 Conference of the British Sociological Association. 10-11 April.*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی